



شرح حدیثی درباره ویژگی‌های نزدیک‌ترین افراد به پیامبر در روز قیامت - -

رهبر معظم انقلاب در ابتدای جلسه درس خارج فقه، به بیان حدیثی از حضرت رسول اعظم درباره ویژگی‌های «نزدیک‌ترین افراد به پیامبر در روز قیامت» پرداختند.

رهبر معظم انقلاب در ابتدای جلسه درس خارج فقه، به بیان حدیثی از حضرت رسول اعظم درباره ویژگی‌های «نزدیک‌ترین افراد به پیامبر در روز قیامت» پرداختند.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی دوشنبه گذشته (۲۸/۸/۱۳۹۷) در ابتدای جلسه درس خارج فقه، به بیان حدیثی از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله وسلم درباره ویژگی‌های «نزدیک‌ترین افراد به پیامبر در روز قیامت» پرداختند.

پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR به مناسبت فرارسیدن سالروز میلاد پیامبر گرامی اسلام، متن و فیلم این سخنان را منتشر می‌کند.

متن سخنان رهبر انقلاب بدین شرح است:

عن جعفر بن محمد علیهما السلام عن ابیه عن جدّه علیهم السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اقربکم غدأ مئی فی الموقف اصدقکم للحدیث و اداکم للاماتة و اوفاکم بالعهد و احسبکم خثفاً و اقربکم من الناس. (۱)

اقربکم غدأ مئی فی الموقف اصدقکم للحدیث

در موقف قیامت همه ی سختی‌ها و وحشتها و ترسها و احوال گوناگون برای انسان وجود دارد، و فرقی هم نیست بین مؤمن و غیر مؤمن: یوم یغیر المرء من اخیه * و امیه؛ و ابیه * و صاحبیه؛ و بنیه * لکل امرئ منهم یومئذ شأن یغنیه؛ (۲) یک چنین روزی است روز قیامت، که در آیات کریمه ی قرآن، بخصوص در سوره های اواخر قرآن خیلی زیاد به احوال و احوال(۳) در قیامت پرداخته شده. خب در یک چنین معرکه ی سختی که اهمیت و سختی آن موقوف اصلاً برای ما قابل تصور نیست، انسان دنبال یک مرجع امنی میگردد؛ یک جایی که به آن پناه ببرد، به آن تکیه کند، در زیر سایه ی آن باشد. آن کسی و آن جایگاهی که از همه ی اشخاص و جایگاه‌ها در قیامت امتیّت بیشتری به انسان میدهد، جایگاه پیغمبر اکرم است. اگر کسی بتواند خودش را نزدیک آن بزرگوار برساند، اطمینان خاطر پیدا میکند، احساس یک امنیتی میکند؛ مثل دنیا دیگر؛ وضع دنیا را ملاحظه کنید: اگر چنانچه در جایی که سختی هست، مشکل هست، تهاجم هست، دزدی هست، زحمت هست، یک نفر انسانی که آنجا در معرض همه ی اینها قرار گرفته، بخواهد خودش را امنیت بدهد، یک کسی را پیدا میکند، یک شخصیتی را پیدا میکند که قوی باشد، مستحکم باشد و فوراً میرود نزدیک او می‌ایستند. در قیامت هر کسی بتواند نزدیک نبی مکرم اسلام قرار بگیرد، دیگر آنجا یک احساس امنیتی دارد. خب، چه کسی میتواند برود آن نزدیک؟ خلاق جن و انس از اوّلین و آخرین که در آنجا جمعند، همه مایلند که خودشان را برسانند به این بزرگوار؛ می‌بینند مقام و مرتبه ی او را، می‌بینند مقامی دارد که «یغیظهُ به الاولون و الآخرون»، (۴) آن را می‌بینند و میخواهند، [اما] میتوانند؟ نه، همه نمیتوانند. این روایت میگوید وسیله ای که شما بتوانید با آن، خودتان را نزدیک پیغمبر بکنید، چیست؛ آن را دارند به ما یاد میدهند.

اینجا دار عمل است، آنجا دار نتیجه است. اینجا یک کارهایی را به ما یاد داده اند، گفته اند این کارها را انجام بدهید که اگر این کارها را اینجا در این دوره ی کوتاه -کوتاه است دیگر، این دنیا یک لحظه ی از عمر ابدی است، یک لحظه است؛ نود سال، صد سال اگر کسی عمر کند، یک لحظه است در مقابل آن عمر ابدی عالم آخرت- انجام دادیم، اگر در این یک لحظه انسان این چیزها را رعایت بکند، در آن موقف دشوار به دردش میخورد. حالا اینها چیست؟ چند مورد را ذکر کرده اند. خود حضرت فرمودند: اقربکم غدأ مئی، [نزدیک ترین شما به من]، فی الموقف -یعنی در قیامت- اول این [فرد] است: اصدقکم للحدیث؛ آن کسی که راستگوتر است، در حرف زدن راستگو است، آنچه میگوید از روی صدق بیان میکند؛ دروغ و تهمت و شایعه و حرف ضعیف و قول بغیر علم و مانند اینها در آن نیست. «صدق» یعنی انطباق با واقع، آنچه را واقع است -که او میداند واقع است- بیان میکند؛ اصدقکم للحدیث.

و اداکم للاماتة

آن کسی که بیشتر از همه اداء امانت میکند؛ که مکرر عرض کرده ایم که امانت فقط این نیست که حالا یک پولی شما

دست بنده بسپرد، بنده آن را به شما برگردانم؛ این یکی از انواع امانت است. همه ی آن چیزهایی که مردم به ما می سپرند، امانتهای مردم است؛ مقام را به ما می سپرند، امنیّت را به ما می سپرند، دینشان را به ما می سپرند، حفظ نوامیسشان را به ما می سپرند؛ همه ی این چیزها امانتهای مردم دست ما است. ما حکومتیم دیگر؛ هر کسی هر جا هست؛ یکی مثل بنده در یک جایگاهی قرار دارد، یکی در جایگاه دیگری قرار دارد، یکی قاضی است، یکی مسئول تعلیم و تربیت است، یکی امام جماعت است؛ همه ی اینها امانتهایی است که دست ما سپرده است؛ اداء امانت. هر کدام بهتر اداء امانت کردید، آنجا جایتان به حضرت نزدیک تر است و امنیّتتان بیشتر است.

وَ اَوْفَاكُم بِالْعَهْدِ

[در مورد] پیمانهای فردی و اجتماعی، وفای به این عهدها بکنید؛ که البته مهم ترینش پیمانهای اجتماعی است؛ این قراردادهای اجتماعی، این حقوق شهروندی [است]. خب این چیزهایی که حالا امروز فرنگی ها یاد گرفته اند میگویند «حقوق شهروندی»، ماها هم از اینها میخواهیم یاد بگیریم! حرفهایی که در روایات ما و در قرآن ما هست، حالا ما داریم از غربی ها اینها را [یاد میگیریم]! خب اینجا دارد میگوید «اَوْفَاكُم بِالْعَهْدِ»؛ «عهد» یعنی قرارداد، آن چیزی که بین شما و بین دیگران قرارداد بسته [شده]. شما وقتی در یک محیط با هم زندگی میکنید، یک قراردادی با هم بسته اید دیگر؛ مثل این است که در یک آپارتمانی ده خانواده زندگی میکنند؛ اینها ولو هیچ کاغذی هم امضا نکرده اند، [اما] یک معاهداتی در مقابل هم دارند؛ این چیز قهری است دیگر؛ [مثلاً] تو سر و صدا نکن که در خانه ی او بچه اش از خواب بیدار نشود، او هم سر و صدا نکند که بچه ی تو از خواب بیدار نشود؛ این قرارداد روشنی است دیگر؛ حقوق شهروندی یعنی اینها.

وَ اَحْسَنُكُمْ خُلُقًا

یکی از چیزها هم این است که خوش اخلاق باشید؛ بد اخلاق و عبوس [بودن] و [اینکه] در خانه یک جور، در محلّ کار یک جور، با مردم یک جور، با تکبّر، با اوقات تلخی [رفتار کردن]، خیلی بد است. آن کسانی که «اَحْسَنُكُمْ خُلُقًا» هستند، آنجا نزدیک ترند.

وَ اَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ

مردمی بودن. ببینید، سبک زندگی اسلامی اینها است. باز همین «مردمی بودن» هم از حرفهایی است که حالا متجددین و مانند اینها فکر میکنند که از دیگران یاد گرفته اند؛ نه، اینها در روایات ما است. مردمی باشید، با مردم باشید. معنای با مردم بودن این نیست که فرض کنید انسان به چهار نفر از طبقه ی ممتاز بگوید اینها مردمند؛ نه، یعنی توده ی مردم، طبقات پایین مردم، عامّه ی مردم؛ با اینها باشید، بین اینها باشید، مثل آنها زندگی کنید، در حدّ آنها زندگی کنید، پیش آنها تواضع کنید؛ اینها معنای مردمی بودن است.